

نگاه سهمی که نداشتیم سهمی هم نمی‌خواستیم مهردادپولادی

● دیدار روز جمعه شورای مرکزی و شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با عبدالله نوری؛ وزیر کشور دولت‌های سازندگی و اصلاحات و نماینده امام(ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی با بحث‌هایی از چینش کابینه دولت دوازدهم در رسانه‌های کشور خیرساز شد. در این دیدار اعضای شورای مرکزی به بیان دغدغه‌هایی مانند عدالت اجتماعی، حفظ و گسترش پایگاه‌های مذهبی، لزوم بازنگری در مواردی که به‌عنوان چالش‌های جریان اصلاح‌طلبی شمرده می‌شود، پرداختند. روشن است در انتخابات‌های مجلس ۹۴، ریاست‌جمهوری و شورای شهر ۹۶ آنچه به‌عنوان ایجاد موج شرکت در انتخابات نامیده می‌شود، مدیون بدنه جوان و جریان دانشجویی منتسب به اصلاح‌طلبان است. هنگامی که دانشجویان در تکاپوی به پای صندوق آوردن مردم بودند، جریان رقیب با همان جامعه هدف سنتی خود درگیر «رای حلال» بود. نظام جمهوری اسلامی برای جریانی که شب و روز در خیابان‌های انتحالی‌شان رای اول را با استدلال و تبلیغات میدانی تلاش برای مشارکت بالا در انتخابات را رقم زد، قطعا عزیزتر است تا جریانی که ثابت‌قدم بر همان جامعه هدف سنتی خود ایستاده است. حال که از گوشه و کنار با بیان دغدغه‌ها از زبان اصلاح‌طلبان، آنها را با عنوان سهم‌خواهی متهم می‌کنند، با سرخوردگی از دستاوردهای حداقلی، تلاش‌های بدنه فعال را بی‌ثمر جلوه می‌دهد. آقای عبدالله نوری با بیان اینکه از ترکیب کابینه نگران است، به بیان مسائل پیش‌روی جریان اعتدال پرداخت و گفت: هنگامی که آقای روحانی به خواست‌های جریبان رقیب ننگه می‌کند، فراموش نکند که چشم‌های ۲۴میلیونی نظاره‌گر وی هستند. گفتن این جنس حرف‌ها به مزاج حضرات مؤتلف با جریان اصلاحات خوش نیامد و هجماه‌ای از اتهام سهم‌خواهی را روانه اصلاح‌طلبان کردند. آنها که در شهرها و حوزه‌های انتخابی‌شان رای اول را هم کسب نکردند، رسانه‌هایشان این سخنان را حمل بر سهم‌خواهی اصلاح‌طلبان کردند. درحالی‌که هم‌صداشدن با جریان رقیب هم آنها را از حربه فرار به جلو باز نداشت. آنچه به‌عنوان سابقه چهار سال گذشته دولت آقای روحانی روشن است؛ کابینه‌ای همسو با جریان مؤتلف (اصولگرایان معتدل) است. برای تعدادی از وزرا اصلاح‌طلب نامیده می‌شوند اما منش کوتاه‌امدن از حق و خواست‌های جریان، امری مستمر و رایج در تصمیم‌گیری‌های آنهاست. اینکه صحبت از چینش کابینه بدون توجه به پایگاه رای‌آوری و با اتکا به نمایندگان ۲۴میلیونی در بازی ائتلاف به نفع چه جریانی برخورد مهم نیست بلکه آنچه مهم جلوه می‌کند، سلب اعتماد بدنه فعال دانشگاه و پایگاهی است که به گفتمان دانشگاهی اصلاح‌طلبان نزدیک است. در مباحث دیدار روز جمعه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران اگر هم صحبتی از کابینه شد، بیشتر معطوف به کنارگذاشتن تعارفات و ایستادگی بر حق هر کابینه‌ای که شکل می‌گیرد. بود. این نکته جالب به نظر می‌رسد؛ جریانی که بیشترین فشار را به رئیس جمهور می‌آورد در این بینگینک رسانه‌ای خود یک طرف میز ایستاده و با تاکتیک فرار به جلو خود را موضوع سخنان آقای نوری قرار داده است. درحالی‌که ضعیف‌ترین تاکتیک ممکن، پاسخ به حرفی است که مخاطب نامعلومی دارد. بنابراین اگر بحثی از سهم‌خواهی در کابینه مطرح باشد، جریان اصلاحات سهمی چیز ایستادگی ۲۴میلیونی نمی‌خواهد. اما در حیطه دفاع از تمامیت دانشگاه و انتخاب وزرای علوم و بهداشت باید به این سهمی که دانشگاه در دولت اول آقای روحانی نداشت هم توجه بسزایی شود. دانشگاه در سه انتخابات گذشته گرم‌کننده تصور انتخابات بوده منتها سهمی جز وزیر ساکت نصیبش نشده است. آنچه ایستادگی به‌حق آقای روحانی را می‌طلبد معرفی وزرایی است از جنس دانشگاه و ایستا بر دفاع از حق حداکثری آموزش عالی؛ نه چنان دوره گذشته وزیری که از حداقل اختیارات خود گذشته‌اند و صرفا به اداره دانشگاه در مسیر سابق بپردازد. میراث دانشگاه از کابینه، ایستادن بر حق دفاع از شکل‌ها و رفع تبعیض و عدالت آموزشی در تمام سطوح است. در آخر نه دانشگاه سهم شخصی می‌خواهد نه بدنه‌ای که حماسه ۲۴میلیونی را رقم زد بلکه سهم‌خواهی آن است که افراد کابینه با توجه به معیارهای استفاده حداکثری از اختیارات در راستای خواست عمومی، حمایت از حقوق شهروندی و جامعه مدنی، مقابله با تبعیض، گسترش عدالت اجتماعی، نبخه‌گزینی و استفاده از جوانان قدم بردارد وگرنه سهمی که نداشتیم، سهمی هم نمی‌خواستیم.

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.

بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه بود. روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

یادی از راه و رسم وزیر دادگستری دولت ملی دکتر مصدق

سیدعلی حسینی . قاضی بازنشسته و وکیل دادگستری

زندانیان خود مرتکب شده بودند.

به خاطر این امتیازات شخصیتی و سوابق درخشان قضائی بود که دکترمصدق او را به‌عنوان اولین وزیر کابینه خود، به وزارت دادگستری برگزید، تا به وضعیت اسفبار دادگستری سروسامان دهد.

مرحوم لطفی - با استفاده از ماده واحده قانون اعطای اختیارات به نخست‌وزیر مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ که بند ۷ آن را‌جعه به «اصلاح قوانین دادگستری» بوده، و تصویب «لایحه قانونی سازمان دادسرای انتظامی قضات (مصوب مهرماه ۱۳۳۱)» از ثمرات آن است- اقدام به تصفیه دادگستری و انحلال محاکم اختصاصی نمود و از این رهگذر جمعی از قضات فاسد دادگستری (متجاوز از ۲۰۰ نفر، آن زمان تعداد قضات دادگستری زیاد نبود) سلب صلاحیت و اخراج شدند.

جای تردید نیست که بیش و پیش از همه، قضات پاک و وارسته، از دست این‌گونه همکاران فاسد خود همواره در رنج و عذاب بودند. مرحوم لطفی در پیگیری پاکسازی و پاکمانی دادگستری بسیار مواقع سرزده و گاه ناشناس به دادگستری‌های شهرستان‌ها سرکشی می‌کرد و قضات درستکار و شایسته را مورد تشویق و تقدیر و گاه ارتقای مقام، و قضات ناصالح را تنبیه و عنداللزوم مورد تصفیه قرار می‌داد. متأسفانه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، مرحوم لطفی نیز همچون دکتر مصدق و دیگر یارانش، از زد و گیر حکومت در امان نماند و پس از مدتی اختفا و سرگردانی، زندانی و برخلاف قانون در دادگاه نظامی محاکمه شد!

آیا کتاب الکترونیک و صوتی، تخریب خلاق ناشر است؟

عباس ملک حسینی . مدیر تجارت الکترونیک انتشارات نسل نواندیش

هم‌زمان با رشد اینترنت، بحث کتاب الکترونیک بسیار بیشتر از گذشته مطرح شد. شرکت‌هایی مانند آمازون که خود بزرگ‌ترین فروشگاه عرضه اینترنتی کتاب در دنیاست نیز به سرمایه‌گذاری در این زمینه پرداخته‌اند و کتاب‌های خود را هم به صورت نسخه چاپی و هم الکترونیک و صوتی منتشر می‌کردند. بزرگ‌ترین پرسش پیش روی ناشران آمریکایی در سال ۲۰۰۰، مسئله‌ای بود که تا آن زمان هیچ ناشری دغدغه‌اش را نداشت: مسئله «تخریب خلاق» و کاهش فروش کتاب چاپی، به دلیل عرضه الکترونیک کتاب!

عبارت «تخریب خلاق» که اقتصاددان اتریشی - آمریکایی به نام جوزف شومپیتر ابداع کرد، عبارت است از خلاقیت و نوآوری‌ای که آگاهانه صنعت فعلی را تخریب می‌کند و یک ساختار جدید اقتصادی و صنعتی ایجاد می‌کند؛ مانند زمانی که خودرود اختراع شد و به تولید انبوه رسید و در نتیجه تمام شغل‌های مربوط به ساخت و تعمیر گاری و همچنین بسیاری از کسب‌وکارهای مرتبط با اسب، مانند لعل‌بندی از میان رفت.

دهه ۸۰ و دانلود غیرقانونی

در ابتدای دهه ۸۰ بحث کتاب صوتی مطرح شد. در آن دوره، کتاب‌های ارزشمند زیادی با کیفیت بالا ضبط و وارد بازار شدند. اما از آنجاکه پلتفرم خاصی برای عرضه اینترنتی وجود نداشت - و کوشی‌های هوشمند نیز تازه در اواخر دهه ۸۰ وارد بازار شدند و به دست همگان رسیدند، فضایی برای کنترل کپی آثار وجود نداشت و در نتیجه، کتاب‌های صوتی به‌راحتی از اینترنت و سایت‌های دانلود غیرقانونی سر در می‌آوردند. مجموعه‌هایی مانند «نون‌کتاب گویا»، «آوانامه» و «نوار» در زمینه کتاب صوتی فعالیت خود را آغاز کردند. شواهد موجود حاکی از این‌ا امر بود که به دلیل وجود دانلود غیرقانونی و نبود بستر مشخص برای عرضه کتاب صوتی (در اصطلاح نبود قفسه اختصاصی برای کتاب صوتی در کتاب‌فروشی‌ها) این مجموعه‌ها تأثیر چندانی بر بازار نشر کتاب نداشتند. باید به این نکته توجه داشت که کتاب‌های محدودی که بسیار معروف و پرفروش شدند (و اغلب به‌عنوان مثالی نقض برای ادعای بالا از آنها استفاده می‌شود)، به تعداد کافی

حسادت‌های پس‌انتخاباتی در آستانه مراسم تحلیف

غلامرضا هاشمی‌فرد

می‌کنیم، شایسته است در بوته عمل به این مهم منجر شود که به جای پاشیدن بذر ناامیدی و رشک‌وریزدن به محبوبیت طرف مقابل، عدم محبوبیت خود را بررسی کنیم.آسیب‌شناسی را جایگزین آسیب‌رساندن و گره‌گشایی را به جای گره‌افکنی بیش بگیریم. تجربه نشان داده خود مردم بهتر از هرکس دیگری می‌فهمند چه کسی دین و لباس دین را برای خدمت و کدام با هدفی غیر از آن برگزیده اند. بنابراین همان‌طور که رئیس‌جمهور منتخب اخیرا به درستی تصریح کرد: «موفقیت دولت، موفقیت همه ملت است.» پس در آستانه مراسم تحلیف دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری، حسادت‌های پس‌انتخاباتی را کنار بگذاریم و به آبادانی کشور عزیزمان ایران بپردازیم.

هدف نهایی تمام ائمه حفظ و اعتلای اسلام

و وفای و اتفاق بر کلمه طیبه «لا اله الا الله» بوده است. در این میانه، شیوه مبارزه با استکبار از نوع شرایط ثانوی و معطوف به وقایع اتفاقیه بوده است. طبق فرمایش امام صادق (ع) عامل بی‌بصیرت مانند سائر بی‌طریقت است که مسیر را نمی‌شناسد. مانند کسی که در بیابانی بی‌نشان گم شده و هدفش مشخص نیست، هرچه سریع‌تر برود از مقصدش دورتر خواهد شد. ائمه بزرگوار با تشخیص درست و به‌موقع مطابق شرایط زمان حرکت و اقدام کرده‌اند. کمابینکه در حدیث آمده است که «ان الحسن و الحسین امامان ما بعد از قعدا». امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هر دو امام‌اند؛ چه قیام کنند چه افتازند.

خلاف تصور عموم که روش ائمه را اقدام نظامی و قیام به سیف می‌داند و استاذ می‌کند در مواردی که ائمه به این مهم نبرداخته‌اند، به لحاظ نبود یاران رزمی بوده است. اسلام رویکردی چندوجهی و فرهنگی، نظامی و... داشته است. یعنی اگر ائمه یاران فراوانی هم نداشتند، باز هم این‌گونه نبود که همه قیام به سیف کنند بلکه روش صادقین (علیهم‌السلام) اقدامی فرهنگی بوده و همین‌طور سایر ائمه حتی پیامبر با داشتن حکومت و نیروی فراوان به سایر ادیان با دیده احترام نگریسته و رواداری مذهبی فراوانی داشته‌اند.

از غیرمسلمانان هدیه گرفته و هدیه می‌دادند و مکاتبات و مناسبات فراوانی حتی با یهود که بسیار حضرت را آزار داده بودند، داشتند. امام علی (ع) نیز در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماند با مردم مهربان باش زیرا آنها دو گونه‌اند؛ یا با تو هم‌کیشی‌اند یا در خلقت با تو برابر(نامه ۵۳).

در جواز همکاری با حکومت جور، نظریات متفاوتی از مراجع تقلید آمده است. گرچه غالبا آن را نهی کرده‌اند ولی استثنائاتی دارد و موارد جوازى نیز هست. از جمله اینکه خطر جانی یا مالی برای انسان داشته باشد یا اینکه به مصلحت اسلام طمعه نزنند و... در برخی موارد که همکاری با حکومت جور باعث تقویت و اعتلای اسلام شد، نه‌تنها کراهتی ندارد بلکه سفارش نیز شده است. در بسیاری از موارد بوده است که همکاری با حکومت

جور باعث تقویت اسلام شده است. مورد استنادی

آن نیز همکارى یوسف پیامبر با فرعون مصر و حضور امام رضا(ع) در حکومت مأمون بوده است. قول، فعل و تقریر امام فارغ از فتوای مراجع در رد یا قبول همکاری با حکومت جور، برای ما و البته خود مراجع نیز حجت است. گرچه ظاهرا امام رضا(ع) مجبور به ولایت‌عهدی شدند ولی یوسف پیامبر خود داوطلبانه اقدام به معاضدت کردند زیرا در آن تحقق حق بود که عین صواب است. مسئولان نظام جمهوری اسلامی نیز به این مسئله غنايت دارند که همیشه مبارزه با استکبار تنها تجویز نیست بلکه می‌توان حتی در دستگاه طاغوت اقدام فرهنگی و دینی کرد.

شاید یکی از دلایل دعوت مأمون این بود که گمان می‌کرد امام تنها از فقه تشیع که میراث اجدادش بوده باخبر است و احاطه‌ای بر سایر ادیان ندارد. می‌خواست امام را از این طریق متغفل و علم آن حضرت را نه لدنی بلکه اکتسابی قلمداد کند. در مناظراتی که مأمون با حضور علمای نصرانی و سایر ادیان با امام رضا(ع) ترتیب داده بود، امام با هر ملت و مسلکی مطابق اعتقادات خودشان احتجاج و آنها را مغلوب و معترف می‌کرد. این اقدام امام نوعی فراگرایی علمی بود و به این وسیله امام تهدید مأمون را تبدیل به فرصتی برای معرفی اسلام به سایر ادیان نیز کرد و مسلما آنها در بازگشت به سرزمین هایشان مبلغ و منادی تفوق علمی امام رضا(ع) و در سطح بالاتر اسلام بودند و این یکی از حکمت‌هایی است که جز در سایه قبول ولایت عهدی میسر نبود.

موارد دیگر نیز اینکه صدای امام در شهرها و در بین مؤمنین پخش می‌شد و همگان می‌توانستند از آن بهره‌بردند زیرا ائمه دیگر نیز اغلب در حضر بوده و اجازه ملاقات یاران را نداشتند. همین‌طور ملاقات با هزاران مشتاق ایرانی که در سایه این مهاجرت فراهم آمد طوری که حدیث مشهور و معروف سلسله‌الذهب در خیل این مشتاقان ایراد شد. مهاجرت امام رضا(ع) به خراسان یکی از بركات خفته‌اش این بود که مشهد شریفش در طول نسل‌های متوالی ملجا و مامن میلیون‌ها مشتاق و زائر شد.

نقدی بر رفتار سیاست‌مداران

سیدمحمد کسانیان . عضو حزب کارگزاران

را تاقچه جدايافته می‌دانند. بنده به عنوان یکی از افراد دارای تفکرات اصلاح‌طلبی از جامعه بزرگان اصلاحات حاضر در قدرت انتظار دارم صمیمیت و صداقت بیشتری نسبت به احزاب داشته باشند و فقط هنگام برگزاری انتخابات به سراغ احزاب نایبند. زیرا این احزاب با توجه به برگزاری منظم جلسات هفتگی و ماهانه و نقد و بررسی خط مشی مدیریتی اصلاحات و تلاش برای بسط آن در جامعه این توقع را دارند که این بزرگان نگذارند این چهار سال نیز با عده و وعید گذشته و استفاده از رانت وضعیت نامناسب مدیریتی جامعه پنهان بماند و با توجه به تفکرات اصلاح‌طلبی جامعه امروزی امکان مشارکت عامه مردم در مدیریت جامعه را پذیرا باشند و مسئولیت را از دوش خود کم کنند و مردم را فقط برای انتخابات نخواهند.

نقد و نظر

تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران

دکتر میرمهرداد میرسنجری*

● تصمیم برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ (سوم مهر ۱۳۹۶) بی‌تردید به طور مستقیم مرزهای غربی ایران را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

در این میان دولت‌مردان ایران باید توجه داشته باشند تجربه تلخ نام‌گذاری آذربایجان تاریخی ایران برای جمهوری باکو، نباید تکرار شود. تغییر نام سرزمین‌های شمال ارس به آذربایجان در سال ۱۹۱۸ میلادی و با تصمیم کنگره حزب مساوات باکو اتفاق افتاد که نام آذربایجان، جایگزین نام‌های اصلی و تاریخی اران و شروان و آلبانی قفقاز شد و تجربیات صد سال اخیر ثابت کرد این نام‌گذاری از همان آغاز با هدف چشمداشت به جداسازی آذربایجان واقعی از ایران صورت گرفته است. ضعف مفرط دولت در سراسرایی سقوط فاسد ناتوانی و بی‌اطلاعی سران آن حکومت قادر از دانش دیپلماسی نوین و بازی‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی که در طول یک سده بسیار تجربه سهمیلیون کیلومتر مربع از سرزمین‌های ایران در قفقاز، افغانستان و هرات، ورارود و بلوچستان شده بود، بستری را فراهم کرد که پس از انقلاب سرخ ۱۹۱۷ میلادی روسیه، بخشی بسیار مهم و تاریخی از سرزمین‌های ایرانی اشغال شده از سوی روسیه با نام یکی از استان‌های داخل ایران جعل نام شود؛ امری که از همان آغاز با وجود ضعف دولت ایران مورد ظن اندیشمندان میهن‌دوست ایرانی قرار گرفت و با واکنش شدید بزرگانی مانند ملک‌الشعراى بهار و علامه دهخدا روبه‌رو شد.

این بزرگان ایران دوست، درحالی‌که دولت‌مردان آن روز ایران در خواب غفلت بودند، با هوشیاری و آینده‌نگری صحیح در مقاله‌های متعددی در روزنامه‌های معروف آن عصر کشور، مانند «عرد»، «نوبهار» و «ایران» در فاصله سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ خورشیدی، یادآور می‌شدند که مصادره نام یکی از ولایات ایران {آذربایجان} در آن سوی مرز و به منطقه‌ای که از نام دیگری در طول تاریخ برخوردار بوده، در آینده تمامیت ارضی آذربایجان واقعی به مرکزیت تبریز را در معرض تهدید جدی قرار خواهد داد و تاریخ برای ما اثبات کرد که این‌گونه نیز شد.

هم‌زمان، محمدامین رسول‌زاده، از سران حزب مساوات و بنیان‌گذار جمهوری باکو در پاسخ به اعتراض ایرانیان نوشت: «... از ما چرا ظنین هستید؟ باید تصور کنیم چنین گمان کرده‌اند که از گرفتن نام آذربایجان، که اسم یک ولایت ایران است، به مسمای آن [منظور آذربایجان واقعی در ایران] نیز ما چشم داریم... دعوی مختاریت آذربایجان به هیچ‌وجه به جنوب ارس راجع نیست. باز بالفعل این را اثبات می‌کنیم...».

(روزنامه ایران، شماره۴۹ - تاریخ ۲۶ ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۸ خورشیدی

اما رخدادهای بعدی این را نشان داد که رهبران ضدایرانی باکو از این تغییر نام، فقط و فقط هدف توسعه‌طلبانه و جدایی آذربایجان واقعی از ایران را با نام جعلی و ساختگی آذربایجان جنوبی در سر می‌پیروانده‌اند.

ماجرای دفاع یونان از نام تاریخی مقدونیه و ممانعت از رسمیت‌یافتن نام کشور مقدونیه، دقیقا نقطه عکس بی‌توجهی دولت ایران به نام‌گذاری جمهوری باکو است.

دولت یونان به نام همسایه شمالی خود جمهوری مقدونیه که پس از فروپاشی یوگسلاوی پیشین به وجود آمد، به‌شدت معترض شد، با این توجیه که ایجاد کشوری با نام مشابه در جوار مقدونیه تاریخی، می‌تواند علاوه بر دست‌اندازی به دستاوردهای تاریخی یونان، تمامیت ارضی یونان را نیز به خطر اندازد. دولت یونان از همان آغاز اعلام کرد نه‌تنها کشور جدیدی به اسم جمهوری مقدونیه و پرچمش را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه این کشور تازه‌تأسیس‌شده باید فوراً اسمش را عوض کند و یک اسم دیگر برای خودش انتخاب کند. یونان حتی پرونده شکایت درباره نام کشور جدید مقدونیه را به شورای امنیت هم کشاند.

فرجام سخن آنکه نام‌گذاری «کردستان» برکشور احتمالی هم‌جوار کردستان ایران، مستقیما تهدیدکننده تمامیت ارضی ایران است؛ همان‌گونه که نام‌گذاری آذربایجان برای دولت باکو همواره تهدید مستقیم تمامیت ارضی ایران را به دنبال دارد؛ امری مهم که زمانی که دولت ایران تصمیم گرفت نخستین کشوری باشد که دولت باکو را به رسمیت می‌شناسد مورد توجه قرار نگرفت.

بنابراین نام زیبای «شاد پیروز» به‌عنوان نام تاریخی مستند منطقه اقلیم کردستان عراق در دوران ساسانیان، گزینه جایگزین مناسبی است که می‌تواند از سوی صاحب‌نظران و رسانه‌های ایرانی برای اقلیم کردستان جا بیفتد و به‌کار رود تا از تشابه نام دو سوی مرز و تهدید تمامیت ارضی ایران در آینده پیشگیری شود.

***استادیار دانشگاه و پژوهشگر فرهنگی و ژئولیتیک**